

# تقلید از دیدگاه شریعت

لا اله الا الله محمد رسول الله  
استاد دارالعلوم زاهدان

علامه سید شریف جرجانی و قاضی عبدالنبی احمد نغری می‌گویند: «التقلید: اتباع الانسان غيره فيما يقول بقول او بفعل معتقداً للحقیة فيه من غير نظر و تأمل فی الدلیل، كأن هذا المتتبع جعل قول الغير أو فعله قلادة فی عنقه»<sup>(۴)</sup>.

«تقلید عبارت است از پیروی کردن از گفتار و کردار انسانی دیگر، با این اعتقاد که او بر حق است، بدون آنکه در حجت و دلیل او تأمل کند، گویا مقلد گفتار یا کردار او را همانند گردن‌بندی به گردن انداخته است».

و علامه کمال الدین بن همام می‌گوید: «التقلید: العمل بقول من لیس قوله إحدى الحجج، بلا حجة»<sup>(۵)</sup> تقلید عبارت است از عمل نمودن بدون دلیل به قول کسی که قول او به عنوان مأخذ و اصول شرع محسوب نمی‌گردد».

از تعاریف فوق، این مطلب واضح می‌گردد که مقلد نباید قول امام و پیشوای خویش را از مأخذ و اصول شریعت بداند زیرا اصول و مأخذ شرع، فقط قرآن و سنت هستند و اجماع و قیاس از آن دو متفرع‌اند. و مقلد فقط به خاطر آن از امام اتباع

بدون تردید دعوت اساسی دین، اطاعت از خداوند و پیامبر اوست که قرآن و سنت به تشریح و تبیین آن پرداخته‌اند. و احکام اعتقادی و عملی و جزئیات شئون زندگی ما را به تفصیل بیان نموده‌اند. علاوه بر آن قضایا و احکام مستحدثه‌ای وجود دارد که نیاز به اجتهاد و نظر دارند.

مسئله هر کس توان دستیابی به علم و اجتهاد را ندارد. و در میان هر ملت و گروهی عده معدودی هستند که از علم و ظن راجح برخوردارند. و سایر مردم خواه ناخواه چاره‌ای جز تبعیت از نظرات و عمل به گفتار و بهره‌گیری از سعی و کوشش آنان نخواهند داشت. فهم صحیح شریعت اسلام بر این امر دایر است که عده‌ای مجتهد و طلایه داران علمی امت، و عده کثیری مقلد و یا پیرو آنان باشند که در اصطلاح این عملکرد را تقلید می‌نامند.

از اینرو به طور مختصر مطالبی پیرامون تقلید عرضه می‌گردد:

## معنی لغوی تقلید:

تقلید در لغت از «قلادة» است، به معنای گردن بند، قلد السیف - یعنی: حمایل شمشیر را برگردن انداخت. و قلد البعیر - یعنی: ریسمانی به گردن شتر انداخت تا آن را به دنبال خود بکشد،

و تقلید از باب تفعیل، ضد ابتکار است.<sup>(۱)</sup>

اما نویسندگان «دائرة المعارف الاسلامیة» اشتقاق تقلید از «قلادة» را اشتباه می‌دانند.<sup>(۲)</sup>

## معنی اصطلاحی تقلید:

«العمل بقول الغير من غير حجة»<sup>(۳)</sup> «تقلید عبارت است از عمل کردن به قول دیگری بدون دلیل و برهان».

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج: ۵، ص: ۱۲۸. دارالجیل، چاپ ۱۴۰۸ م ۱۹۸۸  
۲- ر.ک دائرة المعارف الاسلامیة، ج: ۵، ص: ۲۱۴. دارالفکر  
۳- تهاوتی، محمد علی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلم، ج: ۱، ص: ۵۰۰. مکتبه لبنان، چاپ: ۱۹۹۶ م  
۴- جرجانی، کتاب التعریفات، ص: ۶۲. چاپ: المکتبه العلمیة بیروت ۱۴۰۸ م ۱۹۹۸  
۵- بخاری، امیر بادشاه، تیسیر التحرير، ج: ۴، ص: ۲۲۱. دارالکتب العلمیة ۱۴۰۳ م ۱۹۸۳  
فکر

می نماید که او را در علوم قرآن و سنت حاذق و متبحر می داند.

مفهوم تقلید:

احکام شرعی یا متعلق به عقاید و اصول دین هستند و یا متعلق به اعمال و فروع آن.

تقلید در مسایل مربوط به عقاید و اصول دین مانند: شناخت خداوند متعال، دلائل

نبوت، و مسایل بدیهی دین، مانند: حرمت زنا،

ریا، سرقت و... در نزد جمهور علما جایز نیست.

قرآن نیز تقلید مشرکین را از آباء و اجدادشان در

عقاید خرافی و شرک آمیز به صراحت مورد مذمت

قرار داده است و می فرماید: «و اذا قيل لهم

اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو

كان آباءهم لا يعقلون شيئاً و لا يهتدون»<sup>(۱)</sup> «و هنگامی

که به آنان گفته می شود: از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید، می گویند: بلکه ما

از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می کنیم، آیا اگر پدرانشان چیزی را تفهیمه باشند (باز هم کورکورانه از آنان

تقلید و پیروی می کنند؟) و می فرماید: «إنا وجدنا آباءنا على أمة و انا على آثارهم

مهدتون»<sup>(۲)</sup> «بلکه ایشان می گویند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته ایم و ما نیز بر پی آنان می رویم».

اما برخی از متعصبان و مخالفان تقلید با تجاهلی عارفانه از آیات فوق بر ردّ تقلید از ائمه مذاهب استدلال می نمایند.

چنانکه ابومحمد، علی بر حزم ظاهری (متوفی: ۴۵۶هـ) در ذیل آیه «و اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها آباءنا والله أمرنا بها»<sup>(۳)</sup> می نویسد: «و هكذا فعل المقلدون فانهم أباحوا لحرم

السباع و الحمر الأهلية، و قد جاء أمر الرسول ﷺ بتحريمها»<sup>(۴)</sup>؛ اما آنچه ابن حزم ظاهری ادعا نموده بر

خلاف واقعیت است. چه هیچ یک از ائمه مذاهب، پیروان خویش را به خوردن گوشت درندگان و الاغ دستور نداده اند.

بلکه این تعصب شخصی و نظر خاص ابن حزم در مورد تقلید است وی پس از آنکه به مذهب ظاهری گروید، به

صراحت مخالفت خویش را با تقلید آغاز نمود. و چنانکه خود

می پنداشت در اقوال و عقاید مذهب ظاهریه به مرحله اجتهاد

رسید و در آن مذنب مهارت یافت و با داود ظاهری، پیشوای

آن فرقه به مخالفت برخاست و متعرض بر بسیاری از پیشوایان

مسلمانان شد. از این رو مردم بر وی خشم گرفتند و بیش از حد

مذهب او را انکار کردند و مورد تقیح قرار دادند و کتب وی را

فرو گذاشتند بحدیکه از فروختن آنها در بازارها ممانعت

می شد و گاهی هم آنها را پاره می کردند.<sup>(۵)</sup>

امام احمد بن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله دهلوی (متوفی: ۱۱۷۶هـ) در ردّ مخالفت ابن حزم با تقلید می گوید:

«عدم تقلید برای کسی میسر است که اهلیت اجتهاد داشته باشد؛ و لو آنکه در مورد یک مسأله اجتهاد نماید و از آگاهی

کامل نسبت به اوامر و نواهی آن حضرت ﷺ بر خوردار باشد و باید بداند که آن حکم منسوخ نباشد. که مهارت در

این امر با تَتَّعُّج در احادیث و اقوال مخالفان و موافقان میسر

**طبقات مختلف جامعه ما باید سیره عملی رسول اکرم (ص) را الگو و سرمشق خویش در زندگی قرار دهند و از اعمال هر نوع خشونت و ابراز تعصب پیر هیزند. و در شرایطی که دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف و دودستگی مسلمانان دست به دست بگدیگر داده اند و عقاید و شعائر اسلامی را آماج حملات خویش قرار داده اند و با تبلیغات گسترده ای می کوشند تا مردم را از دین مستتر سازند و به مکاتب لائیکه سوق دهند، نباید ما با تحریک تعصبات خشک و احساسات جنجال آفرین، در حوزه داوئی، و دخلاف اولئی، دافضل، و دغیر افضل، دست به گریبان هم باشیم**

۲- سوره زخرف آیه: ۲۲

۱- سوره بقره آیه: ۱۷۰

۳- سوره اعراف آیه: ۲۸

۴- ر.ک: اندلسی، ابن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۶، ص ۲۷۷، دارالجیل، ۱۴۰۷ هـ ۱۹۸۷ م

۵- ابن خلدون، مقدمه ج: ۲، ص: ۹۰۹ ترجمه محمد پروین گنابادی چاپ: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ هـ ش

می‌گردد. یا آنکه قول گروهی از علمای حاذق و متبحر را بر جواز آن مسأله دریابد و یا آنکه مخالف او بجای حدیث از قیاس یا استنباط خویش استدلال نموده باشد. که در آن صورت مخالفت با حدیث پیامبر ﷺ یا بخاطر نفاق درونی است و یا بخاطر حماقت آشکارا»<sup>(۱)</sup>

آنچه مورد اشتباه ابن حزم و برخی از معاندان تقلید در عصر حاضر شده، عدم تمایز بین احکام دین است؛ که ما به منظور رفع آن، توضیح علامه ابوبکر، احمد بن علی مشهور به خطیب بغدادی (متوفی: ۴۶۳ هـ) را در این باره نقل می‌نمائیم. وی می‌گوید: «احکام بر دو نوع‌اند (۱) عقلی (۲) شرعی در احکام عقلی، تقلید جایز نیست، مانند: شناخت ذات و صفات خداوند و شناخت و تصدیق پیامبر؛ و فقط از عید الله بن حسن عنبری نقل شده است که تقلید در اصول دین را جایز می‌دانست.

و حال آنکه این طرز تفکر کاملاً اشتباه است به دلیل آنکه خداوند می‌فرماید: «اتبعوا ما أنزل الیکم من ربکم و لا تتبعوا من دونه اولیاء قلیلاً ما تذکرون»<sup>(۲)</sup>

و می‌فرماید: «و اذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه آباءنا اولو کان یعقلون شیئاً و لا یهتدون»<sup>(۳)</sup>

عدی بن حاتم می‌گوید: باری من نزد پیامبر ﷺ رفتم در حالیکه برگردنم صلیبی طلایی آویزان بود، پیامبر ﷺ فرمودند: «این بت را از گردنت بپنداز»؛ من نیز بلافاصله آن را انداختم. سپس پیامبر ﷺ سوره «برائت» را تلاوت فرمود تا به آیه «اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله» رسید عدی بن حاتم می‌گوید: گفتم: ای رسول خدا! ما که آنان را پرستش نمی‌کردیم! پیامبر ﷺ فرمود: «آیا اگر آنان حرام را برایتان حلال می‌کردند شما آن را حلال نمی‌دانستید و آیا هرگاه آنان حلال را برای شما حرام می‌کردند شما آنان را حرام نمی‌دانستید؟» گفتم: آری چنین می‌کردیم پیامبر ﷺ فرمود: «پس شما آنان را می‌پرستیدید.» و اما احکام شرعی بر دو نوع‌اند: نوع اول: احکام بدیهی دین هستند، مانند: فرضیت نمازهای پنجگانه، زکات، روزه ماه رمضان، حج، حرمت زنا، حرمت شراب و غیره... که در

این نوع احکام از هیچ شخصی تقلید جایز نمی‌باشد. چه مردم از آنها آگاهی کامل دارند و در آن صورت تقلید از کسی معنی ندارد.

نوع دوم: احکام اجتهادی و تحقیقی هستند مانند: مسایل فروعی، عبادات، معاملات، نکاح و احکام دیگری از این نوع که تقلید در آنها جایز است. به دلیل آنکه خداوند می‌فرماید: «فاسئلو اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»<sup>(۴)</sup>

و اگر ما از تقلید در مسایل فروعی باز داریم، بر هر فرد عامی لازم است تا همه احکام دین را فراگیرد که در آن صورت زندگی مختل می‌شود و کشتزارها نابود و چهارپایان هلاک می‌شوند. لذا این حکم باید ساقط گردد.<sup>(۵)</sup>

علامه عبدالغنی نابلسی (متوفی: ۱۱۴۳ هـ) نیز می‌گوید: «آن

**مقلد نباید قول امام و پیشوای خویش را از مآخذ و اصول شریعت بداند زیرا اصول و مآخذ شرع، فقط قرآن و سنت هستند و اجماع و قیاس از آن دو منفرع‌اند. و مقلد فقط به خاطر آن از امام اتباع می‌نماید که او را در علوم قرآن و سنت حاذق و متبحر می‌داند.**

دسته از مسایل دینی که مورد اتفاق همه و بدیهی‌اند، تقلید از ائمه اربعه در آنها ضرورت ندارد. مانند: فرضیت نماز، روزه، زکات، حج و غیره و همچنین حرمت زنا، لواط، شراب، قتل، سرقت، غضب و آنچه با آنها تشابه دارد و حرمت آن بر همگان واضح است. لذا تقلید در مسایلی لازم و ضروری است که مورد اختلاف علما قرار گرفته است.<sup>(۶)</sup>

**تقلید از دیدگاه قرآن:**

برخی از آیات قرآن دلالت بر جواز تقلید دارند چنانکه

۱- ولی الله دهلوی، حجة الله البالغة، ج: ۱، ص: ۳۵۰، دارالمعرفة ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۷ م  
 ۲- سوره اعراف آیه: ۳  
 ۳- سوره بقره آیه: ۱۷۰  
 ۴- رک، بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، کتاب الفقیه و المتفقہ ج: ۲ ص: ۶۸-۶۶ المکتبة العلمية  
 ۵- نابلسی، علامه عبدالغنی، خلاصة التحقيق فی بیان حکم التقلید و التلقیق، ص: ۲۵ مکتبة دار البیروتی.

مفسران نیز از آنها همین برداشت را نموده‌اند.

۱- «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الامر منکم»<sup>(۱)</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و پیغمبر اطاعت کنید و از «اولو الامر» فرمانبرداری کنید».

برخی از مفسران می‌گویند: مراد از اولو الامر، حکام

## مسأله تلفیق بین مذاهب اربعه ممنوع است زیرا چنین روشی موجب اتباع هوای نفس می‌گردد نه موجب اتباع شریعت

مسلمان هستند و برخی دیگر می‌گویند: مراد فقها می‌باشند. امام ابوبکر جصاص رازی رحمته الله می‌گوید: میان این دو تفسیر، تعارضی وجود ندارد و هر دو آن مراداند، به این معنا که در امور سیاسی از حکام پیروی شود و در مسایل شرعی از علما و فقها.<sup>(۲)</sup>

علامه ابن قیم جوزیه رحمته الله در ذیل آیه مذکور می‌نویسد: اطاعت از حکام در واقع، اطاعت از علماست زیرا حکام نیز در مسایل شرعی از علما پیروی می‌کنند.<sup>(۳)</sup>

۲- «و اذا جاءهم أمر من الأمن أو الخوف اذاعوه و لو رذوه الی الرسول و الی اولی الامر منهم لعلهم الذین یتنبطونه منهم»<sup>(۴)</sup> «و هنگامیکه خبری از پیروزی یا شکست به آنان برسد (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند اگر آن را به پیامبر و پیشوایان ارجاع کنند، اهل علم و استنباط آن را فهم و درک می‌نمایند».

امام فخر الدین رازی رحمته الله در تفسیر آیه مذکور مرقوم می‌دارد: «پس ثابت شد که استنباط برهان و دلیل است و قیاس یا استنباط است و یا در استنباط داخل است، لذا قیاس نیز به عنوان دلیل محسوب می‌گردد؛ پس از اثبات این مدعا می‌گوئیم آیه مذکور بر چند چیز دلالت دارد:

- ۱- حکم پاره‌ای از احکام و مسایل مستحدثه از نص، مشخص نمی‌گردد و نیاز به استنباط دارد.
- ۲- استنباط برهان و دلیل است.

۳- عامی باید در احکام و وقایع (جدید) از علما تقلید نماید.

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله موظف بود تا احکام را استنباط نماید.<sup>(۵)</sup>

۳- «فاستلوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»<sup>(۶)</sup> «از آگاهان بپرسید اگر نمی‌دانید».

آیه فوق تأکید دارد تا کسانی که با علم و فن آشنایی ندارند برای پاسخ به سؤالاتشان به ماهرین علم و فن مراجعه نمایند و بر گفتار آنان عمل کنند؛ چنانکه علامه محمود آلوسی رحمته الله می‌فرماید:

«از آیه فوق استدلال شده است تا کسانی که به مسایل آگاهی ندارند به علما مراجعه نمایند در کتاب «الإکلیل» جلال الدین سیوطی آمده: از این آیه بر جایز بودن تقلید فرد عامی در مسایل فروعی استدلال شده است».<sup>(۷)</sup>

تقلید از دیدگاه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله:

(۱) عن حذیفة رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إني لا أدری ما یقائی فیکم، فافتدوا بالذین من بعدی: ابي بکر و عمر»<sup>(۸)</sup> «حذیفة رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من نمی‌دانم تا چه مدت در قید حیات می‌باشم، از کسانی که بعد از من هستند اطاعت کنید، یعنی: ابوبکر و عمر»

(۲) عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إن الله لا یقبض العلم انتزاعاً، ینتزعہ من العباد و لكن یقبض العلم بقبض العلماء، حتی اذا لم یبق عالماً اتخذ الناس رؤساً جهالاً بقبض

۱- سوره نساء آیه: ۵۹

۲- جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی احکام القرآن ج: ۲، ص: ۲۱۰ لاهور، سهیل اکیدمی

۳- ابن قیم جوزیه، أعلام الموقعین، ج: ۱، ص: ۱۹ دارالحدیث قاهره، ۱۴۱۲ ۱۹۹۳ م

۴- سوره نساء آیه: ۸۳

۵- رازی، فخر الدین محمد بن عمر التفسیر الکبیر، ج: ۱۰، ص: ۲۰۰ دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة

۶- سوره نحل، آیه: ۲۳

۷- آلوسی، محمود بغدادی تفسیر روح المعانی ج: ۸، ص: ۲۱۹ دارالفکر ۱۴۱۷ ۱۹۹۷ م

۸- ترمذی، سنن ترمذی، ج: ۵، ص: ۵۶۹ شماره حدیث (۳۶۶۲) دارالکتب العلمیة، البانی، محمد ناصر الدین، سلسلة الأحادیث الصحیحة، ج: ۳، ص: ۲۳۵ المکتب الاسلامی، ۱۳۰۵ ۱۹۸۵ م

العلماء، فأفتوا بغير علم فضلوا وأضلوا»<sup>(۱)</sup> «همانا خداوند علم را از میان بندگان بر نمی‌دارد اما روح علما را قبض می‌کند و با

آن علم منقرض می‌گردد و عالمی باقی نمی‌ماند بطوریکه مردم پیشوایان نادانی بر می‌گزینند و از آنان در (مورد دین) سؤال می‌کنند. پیشوایان نادان نیز بدون آگاهی فتوا می‌دهند و در نتیجه خودشان و دیگران گمراه می‌شوند.»

از حدیث فوق معلوم می‌شود که فتوا دادن وظیفه علماست و مردم باید مسایل شرعی را از آنان استفسار نمایند و به پاسخ آنان عمل کنند.

#### تقلید در عصر صحابه:

در عصر صحابه تقلید به کثرت انجام می‌گرفت و

این بدان جهت بود که برخی از صحابه فرصت کافی برای فراگیری علوم نداشتند و یا شخصاً در پاره‌ای از مسایل به اجتهاد نمی‌پرداختند و با مراجعه به فقهای صحابه، مسایل را از آنان استفسار می‌نمودند.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید: عمر بن خطاب رضی الله عنه در «جایه» خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: «ای مردم! هر کس می‌خواهد از قرآن سؤال کند، نزد ابی بن کعب برود و هر کس از احکام میراث سؤالی دارد نزد زید بن ثابت برود و هر کس در مورد علم فقه سؤال می‌کند، نزد معاذ بن جبل برود؛ و هر کس مال و ثروت می‌خواهد، نزد من بیاید چه خداوند مرا حاکم و تقسیم‌کننده قرار داده است.»<sup>(۲)</sup>

این جریر می‌گوید: این عمر و گروهی از صحابه پیامبر که در مدینه می‌زیستند بر مذهب زید بن ثابت فتوا می‌دادند.<sup>(۳)</sup>

#### دیدگاه محققین:

امام علی بن محمد آمدی (متوفی: ۶۳۱ هـ) می‌گوید: محققین بر آنند که فردی که اهلیت اجتهاد ندارد با آنکه در برخی از علوم مهارت دارد، موظف است تا از قول مجتهدین پیروی کند و به فتوای آنان عمل نماید، که دیدگاه آنان از نظر کتاب (قرآن) اجماع و عقل ترجیح دارد.

۱- قرآن که خداوند می‌فرماید: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» این نص، عام است شامل تمام مخاطبین نسبت به امر نامعلومی می‌گردد که در اینجا امر، مقید به سبب است (یعنی: عدم علم) که به تکرار آن، امر هم تکرار می‌شود؛ یعنی: هر جا عدم علم موجود باشد فرمان مربوط به سؤال، تکرار می‌شود. و در امر «فاسئلوا» کمترین درجه آن جواز است.

۲- اجماع صحابه و تابعین بیانگر این است که آنان درباره استفتا و سؤالات اشخاص پیرامون احکام وقایع (جدید)، فتوا می‌دادند بدون انکار از طرف آنان و یا نهی از سؤال و استفتای سؤال کنندگان، لذا بر این مسأله اجماع شده است

که عامی مطلقاً از مجتهد پیروی کند.

۳- عقل: به این عبارت که

می‌گوییم: اجتهاد ملکه است و آن جز برای گروه اندکی از مردم حاصل نمی‌شود. بنابراین هرگاه همه مردم را به آن ملکه اجتهاد مکلف نماییم، تکلیف خارج از وسع و طاقت روی خواهد داد، و آن به دلیل فرموده خداوند متعال که می‌فرماید: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» شرعاً ممنوع است.

و از جهت دیگر، چنین استدلال می‌شود که عامی مکلف به احکام شرعی است و تکلیف نمودن او جهت تحصیل اهلیت اجتهاد، خود موجب سختی و مشقت است و چه بسا تحصیل شرایط اجتهاد برای کسانی، باعث گردد که از اقامه امور دنیوی، کسب و شغل و ضرورت‌های آن باز مانند و در نتیجه نظام زندگی مختل گردد.

لذا راهی جز تقلید وجود ندارد و خداوند متعال نیز می‌فرماید: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج»<sup>(۴)</sup> «خداوند

**نباید تقلید از ائمه باعث جمود و تعصب خشک گردد و ما را از واقع بینی و پذیرش حق و حقیقت باز دارد.**

۱- بخاری، الجامع الصحیح، ج: ۱، ص: ۴۱، شماره حدیث (۱۰۰) کتاب العلم، باب کیف یقبض العلم، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۲ م  
۲- هیشمی نور الدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد ج: ۱ ص: ۳۴۹ شماره حدیث (۵۶۷) دارالفکر، ۱۴۲۱ هـ ۱۹۹۲ م  
۳- ابن قیم جوزیه، أعلام الموقعین ج: ۱، ص: ۲۹، دارالحدیث قاهره، ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م  
۴- سوره حج آیه: ۷۸

در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج نهاده است». و پیامبر ﷺ می فرماید: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» «زیان به خود و دیگران در اسلام جایز نیست»<sup>(۱)</sup>

### تاریخ تقلید و پیدایش مذاهب:

تقلید در اوایل قرن سوم هجری ظهور کرد؛ در سده اول و دوم هجری، فراگیری مسایل دینی مختص عده‌ای خاص نبود تمام مسلمانان در فراگیری قرآن و سنت اهتمام شایانی می‌ورزیدند و در مسایل فردی و عادی آنچنان دچار اشکال نمی‌شدند و اگر مسأله‌ای را نمی‌دانستند از نزدیکترین شخص یا فقیهی سؤال می‌کردند.<sup>(۲)</sup>

امام ابوطالب مکی رضی الله عنه می‌گوید: کتابها و تألیفات

مذهب، نوظهوراند؛ برگزیدن قول کسی از میان مردم و قترا دادن به مذهب شخصی معین، و نقل قول از او در مسایل مختلف و تبحر در مذهب در قرن اول و دوم هجری متداول نبود.<sup>(۳)</sup>

پس از آن بود که مذاهب شکوفا شدند و تحولات وسیعی صورت گرفت. چنانکه مورخ شهیر عبدالرحمن بن خلدون (متوفی: ۸۰۸ هـ) درباره دگرگونیهای پس از قرون اولیه اسلام می‌نویسد:

«پس از چندی شهرهای اسلامی تو سعه یافت و به عظمت و ترقی نایل آمد و بیسوادی (أمیثت) در نتیجه ممارست در کتاب (قرآن) از میان عرب، رخت بر بست و استنباط امکان

یافت و فقه کامل شد و در زمره فنون و علوم بشمار آمد و فقه در میان آنان بدو طریقه منقسم شد؛ یکی شیوه اهل رأی و قیاس که در میان مردم عراق متداول بود و دیگر شیوه اهل حدیث که به مردم حجاز اختصاص داشت.

اما پیشوای عراقیان ابوحنیفه، نعمان بن ثابت است که مذاهب ایشان بوسیله او ثابت شده و او را در فقه مقامی است که کسی بدان نمی‌رسد و همه اهل عشیره او بویژه مالک و شافعی به بلندی پایگاه او در فقه گواهی داده‌اند. و پیشوای حجازیان مالک بن انس رضی الله عنه امام مدینه (دارالهجرة) بود.

آنگاه پس از مالک بن انس، محمد بن ادریس مطلبی شافعی رضی الله عنه پیشوای حجازیان شد و او پس از مالک، سفری به عراق رفت و با اصحاب امام ابوحنیفه رضی الله عنه ملاقات کرد و از ایشان بسیاری از اصول را فراگرفت و طریقه حجازیان را با طریقه عراقیان در آمیخت و مذهب خاصی پدید آورد. و با بسیاری از شیوه‌ها و عقاید مالک رضی الله عنه به مخالفت برخاست. پس از آنان احمد بن حنبل رضی الله عنه پدید آمد و او از محدثان بزرگ به شمار می‌رفت و اصحابش با سرمایه وافر که در حدیث داشتند نزد اصحاب امام ابوحنیفه رضی الله عنه قرائت حدیث کردند و به مذهب خاص دیگری اختصاص یافتند.

و تقلید در شهرهای اسلامی منحصر به این چهار تن شد و کمتر کسانی جز از آنان تقلید می‌کنند، مردم «عالمان» باب اختلاف و طرق آن را مسدود کرده‌اند؛ چون در علوم، اصطلاحات شعب فراوان یافت و مانع رسیدن به رتبه اجتهاد گردید و هم بدین سبب که بیم آن می‌رفت این مقام به کسی نسبت داده شود که شایسته نباشد و به رأی یا دین او اعتماد نتوان کرد این است که به صراحت بعجز و دشواری نیل به این پایگاه اعتراف کردند و هر کس دارای تقلید کنندگانی بود، آنان را به تقلید از پیشوایان یاد کرده و اداشت و متداول

**به دور از انصاف است که ما از گنجگاو قشر تحصیلکرده و از بی‌اطلاعی عامه مردم سوء استفاده کنیم و با ارائه دلالتی به قضاوت یک جانبه بپردازیم و انچه مذاهب را که قرن‌ها مورد اتباع امت اسلامی بوده‌اند و صدها محدث و فقیه در اعصار مختلف به نقد و بررسی و تدوین مذهب آنان پرداخته‌اند و با ارائه دلایل از کتاب و سنت بر مشروعیت آنها صحه نهاده‌اند، با خراشیدن ناخن جهل به باد تفسیر بگیریم.**

۱- آمدی، علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، ج: ۴، ص: ۲۳۵ دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶ هـ ۱۹۸۶ م  
 ۲- وجدی، محمد فرید، دایرة المعارف القرن العشرين، ج: ۳، ص: ۲۲۱ دارالفکر  
 ۳- دهلوی، ولی الله، الانصاف فی بیان أسباب الاختلاف، ص: ۶۸ دارالفتاوی، ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۳ م

تقلید از دیدگاه شهرت‌یون

کردن تقلید از خودشان را منع کردند. چه نوعی بازچه به شمار می‌رفت و چیزی جز نقل و روایت عقاید و مذاهب آنان باقی نماند. و هر مقلدی باید پس از تصحیح اصول و اتصال سند آن‌ها به روایت، به مذهب پیشوای خود (از آن چهار تن) عمل کند. امروزه فقه جز این محصول و ثمره‌ای ندارد و مدعی اجتهاد در این روزگار مردود است و کسی به وی رجوع نمی‌کند. و تقلید از او مهجور است و ملت اسلام هم اکنون از این پیشوایان چهارگانه تقلید می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

#### تقلید از مذاهب چهارگانه:

در آغاز قرن سوم هجری، تقلید از مجتهدان معین آغاز گردید، تعداد کسانی که از مذهب معینی پیروی نمی‌کردند بسیار اندک بود. و اکثریت امت اسلامی پیروی از مذهب را بنابر دلائلی واجب می‌دانستند.

۱- هر کس دعوی اجتهاد می‌کرد. می‌بایست همانند مجتهدان گذشته اصولی را وضع می‌کرد و به نقد و بررسی دلائل و آثار می‌پرداخت و برای پاسخ به هر مسأله‌ای، دلیل خویش را ارایه می‌نمود که وجوب این امر، اجتهاد را دشوار می‌نمود و چه بسا نظر آن مجتهد با نظر مجتهدان پیش از او، موافقت داشت که در آن صورت ضرورتی به اجتهاد نبود.

۲- مردم در مورد مسایل مستحدثه و وقایع جدید استفسار می‌کردند بطوری که اگر مجتهد به تدوین اصول و وضع قوانین نمی‌پرداخت از پاسخگویی مسایل عاجز می‌ماند، از این رو، مطابق با اصول گذشته به حل مسایل می‌پرداخت.<sup>(۲)</sup>

۳- اجتناب از رخصت گرایی، به این معنا که اگر کسی از مذهبی معین پیروی نکند، درباره حکم هر مسأله‌ای به دنبال اقوال و نظرات مذاهب و مجتهدین می‌رود و آسان‌ترین رأی و اقوال آنان را بر می‌گزیند.

امام محمد غزالی رحمته الله علیه می‌گوید: «نباید هیچ کسی از روی هوای نفس و میل و رغبت شخصی در هر مسأله‌ای نظرات مذاهب را جویا شود و سهل‌ترین و آسان‌ترین حکم آنها را گرفته و بدان عمل نماید و در نتیجه فقه را بر خود وسعت و فراخی بخشد.»<sup>(۳)</sup>

با توجه به دلائل فوق علما متأخرین تقلید از ائمه مذاهب

اربعه را لازم دانسته‌اند و بر آن تأکید نموده‌اند. امام الحرمین، ابوالمعالی، عبدالملک بن عبدالله جوینی (متوفی: ۴۷۸هـ) می‌گوید: «اجماع المحققین علی منع العوام من تقلید أعیان الصحابة، بل من بعدهم، بل علیهم أن یتبعوا مذاهب الاثمة الذین سبروا و وضعوا و دونوا لانهم أوضحو طرق النظر و ضربوا المسایل و بینوها و جمعوها بخلاف مجتهدی الصحابة»<sup>(۴)</sup> «محققین اجماع دارند که عامه مردم از تقلید صحابه و تابعین منع شوند و بر آنان لازم است تا از مذاهب امامانی که قوانین و اصول را وضع نموده‌اند پیروی کنند. چه آنان روش اجتهاد و نظر را تبیین نموده‌اند و به تدوین مسایل پرداخته‌اند، اما مجتهدان صحابه این چنین نکرده‌اند.»

علامه عبدالرئوف مناوی (متوفی: ۱۱۳۱هـ) می‌گوید: «و علی غیر المجتهد أن یقلد مذهباً معیناً... لکن لا یجوز تقلید الصحابة و کذا التابعین كما قاله امام الحرمین من کل من لم یدون مذهبه، فیمتنع تقلید غیر الاربعه فی القضاء و الافتاء لان المذاهب الاربعه انتشرت و تحررت حتی ظهر تقييد مطلقها و تخصيص عامها لا تقراض أتباعهم...»<sup>(۵)</sup> «بر فرد عامی لازم است تا از مذهبی معین، پیروی نماید، اما تقلید صحابه و تابعین - چنانکه امام الحرمین گفته - جایز نیست، همچنین تقلید از کسی که مذهبش مدون نیست، لذا تقلید در قضاوت و فتوا بغیر از مذاهب اربعه جایز نیست، چه مذاهب اربعه، منتشر و مدون شده‌اند، مطلق آن مقید شده و عام آن خاص شده است و بخاطر آنکه مذاهب دیگر پیروی ندارند.»

و علامه عبدالغنی نابلسی رحمته الله علیه (متوفی: ۱۱۴۳هـ) می‌گوید: «انحصر الآن العلم بشریعة محمد صلی الله علیه و آله و سلم فی العمل، بما ذهب إليه أحد الاربعه فقط علی العموم.»<sup>(۶)</sup>

۱- ابن خلدون مقدمه، ج: ۲، صص: ۹۰۷-۹۱۱. ترجمه محمد پروین کتابدای، چاپ: شرکت انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۶۶ هـ ش  
 ۲- رک. دهلوی، ولی الله، الانصاف فی بیان سبب الاختلاف ص: ۷۱- دارالفتاویٰ ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م  
 ۳- غزالی، امام محمد المستصفی، ج: ۲، ص: ۱۲۵  
 ۴- به نقل از ارشاد المقلدین، شتیطی، باب بن الشیخ سیدی دار ابن حزم، ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۷ م  
 ۵- مناوی، عبدالرئوف، فیض القدر، شرح الجامع الصغیر، ج: ۱، ص: ۲۱۰ دارالفکر، ۱۳۹۱ هـ ۱۹۷۲ م  
 ۶- نابلسی، عبدالغنی، خلاصة التحقيق فی بیان حکم التقليد و التلقیق

«احکام شریعت محمد ﷺ عملاً به یکی از اقوال مذاهب اربعه اختصاص دارد».

و امام شاه ولی الله دهلوی رحمته الله (متوفی: ۱۱۷۶ هـ) می‌گوید: «أن هذه المذاهب الاربعة المدونة قد اجتمعت الامة او من يتقيد به منها، على جواز تقليدها إلى يومنا هذا، و في ذلك من المصالح لا يخفى، لا سيما في هذه الايام التي قصرت فيها الهمم و أشربت النفوس الهوى و أعجب كل ذي رأى برأيه»<sup>(۱)</sup> «امت تا به امروز اتفاق نظر دارد که از مذاهب چهارگانه مدون، تقلید انجام گیرد و در آن مصلحت‌هایی وجود دارد که بر کسی پوشیده نیست، خصوصاً در عصر ما که همتها پایین آمده است. و خواهشات پیروی می‌شوند و هر کسی به رأی و تدبیر خویش مغرور گشته است».

#### تقلید از مذاهب معین

فرد عامی ملزم است تا یکی از مذاهب اربعه را برگزیند و به آراء آن عمل نماید کما اینکه مجتهد مؤظف است تا یکی از دلایل را ترجیح دهد و بر آن عمل نماید و این بدان معنا نیست که اتباع و تقلید از شخص امام انجام می‌گیرد زیرا معنی اتباع از پیامبر اسلام ﷺ به حیث اتباع از انسانی بنام محمد نیست بلکه به خاطر آنکه او مبلغ وحی خداوندیست و آنچه او می‌گوید تشریح و تفسیر کلام خداوند است.

لذا اتباع از امام، اتباع از پیامبر است چنانکه اتباع از پیامبر، اتباع از خداوند است، امام صرفاً به تفهیم و تبیین مراد قرآن و سنت پرداخته است، چنانکه امام شاطبی رحمته الله (متوفی: ۵۷۹۰ هـ) می‌گوید: «اتباع مردم از عالم به علوم شریعت و پذیرفتن قول او بخاطر آنست که او به علوم شریعت آگاهی دارد. و بر مقتضای آن عمل می‌نماید و انگیزه دیگری در کار نیست؛ عالم در حقیقت مبلغ پیامبر است چنانکه پیامبر مبلغ خداوند است»<sup>(۲)</sup>.

علمای متأخرین تقلید از مذهبی معین یا تقلید شخصی را لازم می‌دانند اگر چه در کتاب و سنت التزام یا عدم التزام به مذهبی معین به صراحت وارد نشده است، اما در خیرالقرن (عصر صحابه و تابعین) مواردی از تقلید شخصی وجود داشته است.

در روایتی از عکرمه آمده است که اهل مدینه از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما درباره زنی که طواف کرده و حیض شده، سؤال کردند. ابن عباس گفت: «خارج شود». اهل مدینه گفتند: «ما قول تو را نمی‌پذیریم و به قول زید بن ثابت عمل می‌نماییم».<sup>(۳)</sup> زید بن ثابت صحابی و فقیه مدینه بود و اهل مدینه در احکام و مناسک حج قول او را عمل می‌کردند.

اهل کوفه نیز بر فتوای حضرت عبدالله بن مسعود عمل می‌کردند.<sup>(۴)</sup> و ابن عماد حنبلی در کتاب «شذرات الذهب» آورده است که بنی امیه در موسم حج اعلام می‌کردند که فقط عطاء بن ابي رباح حق دارد در مسایل فتوا دهد.<sup>(۵)</sup>

که این امر در قرن دوم انجام می‌گرفت و هیچ یک از تابعین بر آن ایراد نگرفت. اما نظر به اینکه عدم التزام به مذهبی معین، منجر به تتبع رخصتها و تلفیق بین مذاهب می‌گردد التزام به نظرات و آرای یک مذهب لازم و ضروری است.

منظور از تتبع رخصتها آن است که شخص درباره حکم هر مسأله‌ای به دنبال اقوال و نظرات مذاهب و مجتهدین برود و آسان‌ترین رأی و اقوال آنان را برگزیند. مثلاً: در مذهب امام شافعی رحمته الله بازی با شطرنج جایز است و از حضرت عبدالله بن جعفر رحمته الله روایت شده است که به سماع موسیقی قایل است و مذهب امام أعمش رحمته الله آنست که آغاز روزه از طلوع آفتاب می‌شود. و حضرت عطاء بن ابي رباح می‌گوید: اگر روز عید مصادف با روز جمعه باشد، خواندن نماز جمعه و نماز ظهر لازم نیست، و داود ظاهری و ابن حزم می‌گویند: اگر شخصی می‌خواست با زنی ازدواج نماید می‌تواند او را

ص: ۲۵ - مكتبة دار البيروتی

۱- دهلوی شاه ولی الله، الانصاف فی بیان أسباب الاختلاف ص: ۹۷، دارالفنایس ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م

۲- شاطبی، ابو اسحاق، ابراهیم الاعتصام ج: ۳، ص: ۲۵۰

۳- بخاری، الجامع الصحیح ج: ۲، ص: ۵۴۱ شماره حدیث: (۱۷۵۷) کتاب الحج، باب اذا حاضت المرأة بعد ما أفاضت دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ هـ ۱۹۹۲ م

۴- ر.ک ابن قیم الجوزیة، اعلام الموقعین، ج: ۱ ص: ۲۸، دارالحدیث قاهره ۱۴۱۴ هـ ۱۹۹۳ م

۵- ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج: ۱ ص: ۱۳۸، دار احیاء التراث العربی، بیروت



برهنه ببیند. (۱)

لذا در میان آرای مذاهب به دنبال رخصت رفتن ممنوع است زیرا چنین عملی پیروی از هوای نفس است که شریعت ما را از آن باز داشته است. در آنجا که خداوند متعال می فرماید: «فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول» بنابراین باید امور مشتبه و مورد نزاع را فقط به شریعت ارجاع داد نه به امیال شخصی و هوای نفس.

امام ابن عبدالبر و ابن حزم می گویند: «اجماع فقها بر این است که جایز نیست عامی به دنبال رخصت باشد زیرا چنین عملی، موجب اسقاط تکلیف در مسائل مورد اختلاف خواهد گردید.» (۲)

همچنین مسأله تلفیق بین مذاهب اربعه ممنوع است زیرا چنین روشی موجب اتباع هوای نفس می گردد نه موجب اتباع شریعت. مثال تلفیق در عبادت مانند اینکه: شخصی بنا به تقلید مذهب شافعی، در وضو به مسح قسمتی از سر اکتفا نماید. و سپس در اینکه لمس زن نامحرم موجب نقص وضو نیست به ابوحنیفه یا مالک تقلید کند و با آن وضو نمازی ادا نماید. در اینجا می بینیم که هیچ یک از امامان مذاهب قایل به صحت چنین وضویی نیستند، از نظر امام شافعی وضو به جهت لمس زن بیگانه باطل است. از نظر امام ابوحنیفه باز وضو به جهت مسح نکردن یک چهارم سر باطل است. و از نظر امام مالک وضو به علت مسح نکردن تمام سر باطل است.

امام احمد بن عبدالحلیم مشهور به ابن تیمیه (متوفی: ۷۲۸ هـ) نیز چنین طرز تفکری را رد می کند و می گوید:

« یكونون فی وقت یقلدون من یفسده، و فی وقت یقلدون من یصححه بحسب الغرض و الهوی و مثل هذا لا یجوز باتفاق الائمة و نظیر هذا أن یعتقد الرجل ثبوت شفعة الجوار اذا كان طالباً لها و یعتقد عدم الثبوت اذا كان مشتریاً؛ فان هذا لا یجوز بالاجماع، و كذا من بنی صحة ولاية الفاسق، فی حال نکاحه و بنی علی فساد ولايته حال طلاقه لم یجز ذلك باجماع المسلمین و لو قال المستفتی المعین أنا لم أكن أعرف ذلك لأن ذلك، یفتح باب التلاعب بالدين و فتح الذریعة الی ان یكون التحلیل و التحريم بحسب الأهواء... و الله اعلم» (۳) (غیر مقلدان) گاهی اوقات از شخصی اتباع

می کنند که مورد قبول آنان نیست و در برخی موارد از کسانی پیروی می کنند که مورد قبولشان هستند، یعنی: اتباع آنان از روی غرض و خواهش نفس است که این روش نزد هیچ یک از ائمه جایز نمی باشد. و مثال آن اینکه: اگر شخصی خریدار باشد حق شفعه همسایگی) را قایل باشد اما اگر مشتری باشد به ثبوت آن قایل نباشد، که روش مذکور به اجماع علما جایز نیست. یا آنکه ولایت فاسق را در عقد نکاح خویش بپذیرد و در مورد طلاق زنش بپذیرد که این روش نیز به اجماع مسلمانان جایز نیست. اگر چه آن شخص ادعا کند من آن زمان به جواز یا عدم جواز مسأله آگاهی نداشتم چه در آنصورت دین باز بچه مردم قرار می گیرد و بیم آن می رود که

تحریم و تحلیل در دین بر حسب خواهشات انجام گیرد». دکتر سعید رمضان بوطی بحث جالبی درباره تقلید شخصی در کتاب خویش «اللامذهبية أخطر بدعة تهدد الشريعة الاسلامیه» دارد که در آن می گوید: «عامی مکلف است تا با مراجعه به علما و مجتهدین به احکام شریعت عمل نماید و خداوند مکلف نکرده تا او در احکام شریعت از امامی معین یا غیر معین، اتباع نماید، که همه علما و ائمه نیز بر این مسأله اتفاق نظر دارند. زیرا بر التزام یا عدم التزام از مذهبی معین، دلیلی در کتاب (قرآن) و سنت وجود ندارد. لذا چنانکه مخالفان ما التزام به مذهبی معین را بدعت می نامند، ما نیز عدم التزام به مذهبی معین را بدعت می دانیم، با این وجود، هیچ یک از فقها و ائمه به عامی اجازه نداده اند تا به پیروی از خواهشات نفسانی خویش بپردازد و چنانکه دلش می خواهد مسایل را تلفیق کند.

اما ما برای مدعیان (التزام به مذهبی معین) دلیلی نیز داریم و آن اینکه، خواندن قرآن به ده صورت متواتر از رسول اکرم ﷺ نقل شده است. که هر امامی جداگانه به تدوین و

۱- رک عثمانی، محمدتقی، تقلید کی شرعی حیثیت، ص: ۶۷، مکتبه دارالعلوم کراچی، چاپ پنجم ۱۳۷۸ هـ

۲- زحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، ج: ۲، ص ۱۱۵۴ دارالفکر المعاصر

۳- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع فتاوی ج: ۳۲، ص: ۱۰۱-۱۰۰ مطبعة الحكومة - الرياض، ۱۳۸۶ هـ

تعلیم آن پرداخته است و این مسأله نیز به اجماع ائمه ثابت است که هر کس می‌تواند هر قرائتی را از این ده قرائت بخواند چنانکه ثابت شده است که هر مسلمانی می‌تواند از مذاهب اربعه پیروی نماید.

حالا این سؤال مطرح می‌شود که آیا بر هر مسلمان لازم و ضروری است که هر روز قرآن را به یکی از قرائتهای دهگانه بخواند؟! و آیا اگر قرآن را فقط به قرائت (حفص عن عاصم) بخواند مرتکب حرام می‌گردد؟! و آیا از صدر اسلام تا عصر ما کسی چنین فتوایی صادر کرده است، و آیا مخالفان مذاهب هر روز قرآن را با یکی از قرائتهای دهگانه می‌خوانند؟! سؤال آن است که چرا باید پیروان مذهبی معین به پیروی از دیگران بپردازند، اما قرآن را بجز قرائت معین، یعنی قرائت (حفص عن عاصم) نخوانند؟ چه تفاوتی میان پیروان امامان فقه در مسایل فروعی دین و میان پیروان امامان قرائت در خواندن قرآن وجود دارد؟! (۱)

#### جمود در تقلید:

متأسفانه ترویج بسیاری از بدعتها که به نام دین به خورد مردم داده می‌شوند بر اثر تقلید کورکورانه از آباء و اجداد گذشته می‌باشد؛ و هرگاه از مقلدان آنان دلیلی از کتاب (قرآن) و سنت طلب شود، می‌گویند: پدران و نیاکان ما اینگونه عمل می‌کردند آیا شما آنان را به بدعت گذاری و نوآوری در دین متهم می‌نمایید؟! این دقیقاً همان موردی است که علمای سلف آن را تقلید کورکورانه از آباء و اجداد خوانده‌اند و به صراحت آن را مذمت نموده‌اند. چنانکه خداوند در مورد مشرکین می‌فرماید: «و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفينا عليه آياتنا اولوكان آباءهم لا يعقلون شيئاً و لا يهتدون» (۲) «و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: از آنچه خدا فرو فرستاده است پیروی کنید، می‌گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم، آیا اگر پدرانشان چیزی را نفهمیده باشند (باز هم کورکورانه از آنان تقلید و پیروی می‌کنند؟)».

و برخی دیگر از ملامها و مقلدان متعصب که خویشان را اهل علم و فن قلمداد می‌نمایند بدون آنکه مسئله‌ای را مورد

تحقیق قرار دهند عبارت یک کتاب فقهی را مورد استناد قرار می‌دهند. گر چه نظر مؤلف آن کتاب از جانب فقها و محدثین مذهب نیز مورد انتقاد شدید قرار گرفته باشد.

گویی نص آن کتاب وحی منزل است که قابل توجیه و انکار نمی‌باشد.

از باب نمونه: در برخی از کتب فقهی احناف آمده: بلند کردن انگشت سبابه در خواندن تشهد کراهیت دارد و حال آنکه بلند کردن انگشت سبابه در حدیث صحیح از پیامبر اسلام ﷺ به اثبات رسیده است (۳) و عده کثیری از فقها و محدثان مذهب احناف بلند کردن انگشت سبابه را در تشهد مستحب می‌دانند. (۴)

باز عده‌ای دیگر را می‌بینیم که پا را از این نیز فراتر گذاشته‌اند و مستحبات را فرض قرار داده‌اند و بطلان نماز بدون عمامه را صادر می‌نمایند بدون آنکه چنین مسئله‌ای را فقیه، محدث یا عالمی گفته باشد. آری فقط در یکجا می‌توان چنین مسئله‌ای را سراغ داشت و آن کتاب «الموضوعات» علامه عبدالرحمن ابن جوزی است که در آن احادیث موضوع را درباره عمامه گرد آوری نموده است و گر نه در هیچ یک از کتابهای حدیث و فقه نه در فرایض نماز و نه در سنن و نه در مستحبات آن، می‌توان چنین مطلبی را یافت!!!

چون کسی گردد مزاحمی سبب با مسلمان در ادای مستحب مستحب را فرض گردانیده‌اند زندگی را عین قدرت دیده‌اند (۵) لذا نباید تقلید از ائمه باعث جمود و تعصب خشک گردد و ما را از واقع بینی و پذیرش حق و حقیقت باز دارد.

#### چالش در مسیر تقلید:

از جانبی دیگر برخی از مخالفان تقلید که اهل اجتهاد و نظر

۱- بوطی سعید رمضان، الامذهبية أخطر بدعة تهدد الشريعة الإسلامية ص ۷۶-۷۸ مکتبة الفارابی، دمشق

۲- سوره بقره آیه: ۱۷۰

۳- رک مسلم، الجامع الصحیح، ج: ۱، ص: ۲۱۶، کتاب الصلوة، باب صفة الجلوس فی الصلوة، کراچی، آرام باغ

۴- رک ابن عابدین، مجموعه رسائل ابن عابدین، رفع التردد فی عقد الاصابع عند التشهد، ج: ۱، ص: ۱۲۰ دار احیاء التراث العربی

۵- لاهوری، محمد اقبال، کلیات اقبال، ص: ۸۶، انتشارات سنائی، تهران ۱۳۷۰

نیستند، بدون تحقیق و بررسی دلایل مورد استناد ائمه مذاهب و توجیحات عالمانه فقها و محدثین در مجامع عمومی و از تریبونهای نماز جمعه و عیدین، به مخالفت آشکارا یا مسایل جزئی و استحبابی از قبیل: رفع الیدین، آمین بالجهر، قرائت خلف الامام و گذاشتن دستها روی سینه و... می پردازند که این امر باعث اختلاف، نزاع و دو دستگی مسلمانان می گردد.

شیخ محمد غزالی دانشمند و متفکر معاصر مصری در این باره واقعه ای را در کتاب «اخلاق اسلامی» خویش نقل کرده که در خور تأمل است وی می گوید: «یکی از شیوخ را گفتند: نمازگزاران در مسجد را دریابید که نزدیک است با همدیگر به نزاع برخیزند و با هم بجنگند»، ( شیخ) گفت: «برای چه چیزی؟» گفتند: «برخی می خواهند نماز تراویح را هشت رکعت بخوانند»، و برخی می خواهند آن را بیست رکعت بخوانند (شیخ) گفت: «بعد چه شد؟» گفتند: «منتظر فتوای تواند». (شیخ) گفت: «فتوای من آن است که در مسجد بسته شود و اصلاً تراویحی در آن خوانده نشود زیرا نماز تراویح سنت است ولی وحدت مسلمین واجب و فریضه است و سنتی که موجب هدم و ویرانی فریضه ای باشد نباید بر پا داشته شود!! و کسانی که در این گونه موارد اختلاف می کنند نه مخلص خدایند و نه خیر خواه دین و مردم».<sup>(۱)</sup>

منظور ما از بیان مطلب فوق آن نیست که ما ائمه مذاهب را در هاله ای از تقدس قرار دهیم و به تقلید کورکورانه آنان پردازیم، بلکه ضرورت دارد تا ما دلایل، آراء و نظریات آنان را در محافل و مجامع فقهی مورد بررسی و نقد علمی قرار دهیم. ائمه مذاهب نیز برای خود عصمت قایل نبودند و خویشان را بالاتر از نقد نمی دانستند و می گفتند: قول ما را با کتاب (قرآن) و سنت مطابقت دهید و اگر تعارض داشت آنرا به دیوار بزنید».<sup>(۲)</sup>

اما به دور از انصاف است که ما از کنجکاوای قشر تحصیل کرده و از بی اطلاعاتی عامه مردم سوء استفاده کنیم و با ارائه دلائلی به قضاوت یک جانبه پردازیم و ائمه مذاهب را که قرنها مورد اتباع امت اسلامی بوده اند و صدها محدث و فقیه در اعصار مختلف به نقد و بررسی و تدوین مذهب آنان پرداخته اند و با ارایه دلایل از کتاب و سنت بر

مشروعیت آنها صحه نهاده اند، با خراشیدن ناخن جهل به باد تمسخر بگیریم. و حال آنکه خداوند عزوجل می فرماید: « لا تقف ما لیس لك به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئك کان عنه مسؤولاً».<sup>(۳)</sup> و با آنکه اجتهاد شرایط خاصی دارد عده ای را می بینیم که با خواندن چند کتاب و مطالعه و ترجمه قرآن و حدیث خود را صاحب نظر و مجتهد می پندارند و بدون ضرورت در قضاوت مسائل مهم به اصطلاح، روش مجتهدین را دنبال می کنند، بدون آنکه واجد شرایط باشند. دربارہ همین گروه رسول الله ﷺ فرموده است: «ضلوا فأضلوا» «خودشان هم گمراهند و دیگران را نیز گمراه می کنند».

علامه محمد اقبال لاهوری شاعر و متفکر اسلامی به جای اجتهاد عالمان کم نظر به تقلید از رفتگان فرا می خواند و می گوید:

نقش بر دل معنی توحید کن

چاره کار خود، از تقلید کن

اجتهاد اندر زمان انحطاط

قوم را بر هم همی پیچد بساط

زاجتهاد عالمان کم نظر

اقتدا بر رفتگان، محفوظ تر

عقل آبیات هوس فرسوده نیست

کار پاکان از غرض آلوده نیست

فکرشان رسید همی باریک تر

ورع شان با مصطفی نزدیک تر

ذوق جعفر، کاوش رازی نماند

آبروی ملت تازی نماند.

تنگ بر ما رهگذار دین شد است

هر لثیمی راز دار دین شد است

ای که از اسرار دین بیگانه ای

با یک آئین ساز اگر فرزانه ای

۱- غزالی، محمد، اخلاق اسلامی، ص: ۳۱۰ ترجمه محمود ابراهیمی نشر احسان، تهران ۱۳۷۸ هـ ش  
۲- ر.ک، شعرانی، عبدالوهاب، کتاب المیزان، ج: ۱ ص: ۲۱۳ عالم الکتب، ۱۳۰۹ هـ ۱۹۸۹ م  
۳- سوره اسراء آیه: ۳۶

## مضمحل گردد چو تقویم حیات

ملت از تقلید می‌گیرد ثبات<sup>(۱)</sup>

اگر واقعاً مخالفان تابع خواهشات و احساسات خویش نیستند و ادعا دارند که احناف در مسایلی از قبیل، آمین بالجهر، قرائت خلف الامام، رفع الیدین، گذاشتن دستها روی سینه و... به احادیث ضعیف استناد می‌جویند، و ما نیز آنان را به جانب حق بدانیم، این سؤال مطرح می‌شود که چرا آنان از مذاهب امام محمد بن ادریس شافعی رحمه الله پیروی نمی‌کنند در حالیکه مذهب ایشان به همه موارد فوق الذکر عمل می‌نماید؟! و چرا حاضر نیستند همانند پیروان امام شافعی رحمه الله بدون ایجاد نزاع و اختلاف در میان پیروان امام ابوحنیفه رحمه الله با صفا و صمیمیت زندگی کنند و هر یک، آراء و نظریات امام خویش را محترم بدانند و دیگران را نیز بر راه صواب و حق بدانند!

پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مسائل اختلافی میان صحابه با اخلاقی کریمانه برخورد می‌نمود چنانکه در جنگ بنی قریظه آن حضرت فرمود: «هیچ کس نماز عصر بجای نیاورد مگر در محله بنی قریظه» صحابه در راه بودند که وقت نماز عصر فرا رسید، لذا برخی نماز عصر را بجای آوردند و گفتند: منظور پیامبر اسلام تسریع در امر جنگ بوده است و برخی دیگر گفتند: ما نماز عصر را طبق فرمان پیامبر در محله بنی قریظه بجای می‌آوریم چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله از اختلاف صحابه با خیر شد اما هیچ یک از آنان را سرزنش نفرمود.<sup>(۲)</sup> و شاید حقیقت آن باشد که دکتر سعید رمضان بوطی دانشمند معاصر اسلامی سوری می‌گوید: «آیا غیر از آنست که آنان (مخالفان مذاهب) می‌خواهند، توانایی و بینش خویش را از کتاب و سنت بنمایانند، بدون آنکه پیرو مذاهب ائمه مجتهدین باشند. لذا ما آنان را آزاد می‌گذاریم تا آنان اهلیت اجتهادی و نظری خویش را مطرح نمایند و مذهبی نوین تأسیس کنند - چنانکه دلشان می‌خواهد - مذهبی نوین که در کنار مذاهب چهار گانه، به رشد و شکوفایی برسد، مذهبی که فقط بر ده مسأله از مسایل عبادی تأسیس می‌گردد به هر صورتی که دلشان می‌خواهد بر آن مذهب عمل کنند و هر اندازه که دوست دارند از فقه ائمه و اجتهاد آنان فاصله بگیرند.»<sup>(۳)</sup>

سخن آخر آنکه طبقات مختلف جامعه ما باید سیره عملی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را الگو و سرمشق خویش در زندگی قرار دهند و از اعمال هر نوع خشونت و ابراز تعصب بپرهیزند. و در شرایطی که دشمنان اسلام برای ایجاد اختلاف و دودستگی مسلمانان دست به دست یکدیگر داده‌اند و عقاید و شعائر اسلامی را آماج حملات خویش قرار داده‌اند و با تبلیغات گسترده‌ای می‌کوشند تا مردم را از دین متنفر سازند و به مکاتب لائیکه سوق دهند، نباید ما با تحریک تعصبات خشک و احساسات جنجال آفرین، در حوزه «اولی» و «خلاف اولی»، «افضل» و «غیر افضل» دست به گریبان هم باشیم و عده معدودی از نمازگزاران و افراد متدین را که برای ادای نماز به مسجد می‌آیند به جان هم بیندازیم مسجد محل عبادت خداوند و مظهر اتحاد و همدلی است نه محل خشونت، نزاع و اختلاف؛ لذا مسلمانان باید به مسائل کلی جهان اسلام بیندیشند و از هر گونه مباحث جنجال آفرین برحذر بوده، برای وحدت بیشتر، گامهای عملی مؤثری بردارند.

من شنیدستم زنباط حیات

اختلاف تست، مقراض حیات

از یک آئینی مسلمان زنده است

بیکر ملت زقرآن زنده است.

به امید آنکه خداوند اتحاد و همبستگی ما را افزون تر و دلهای مان را نزدیک تر گرداند، «و ما ذلک علی الله بعزیز»

\*\*\*\*\*

\*\*\*

•

۱- لاهوری، محمد اقبال، کلیات اقبال، ص: ۸۴ انتشارات سنائی، تهران ۱۳۷۰

۲- رک، بخاری، الجامع الصحیح، ج: ۵، ص: ۶۱ - شماره ۴۱۱۹، کتاب المغازی، باب مرجع النبی من الاحزاب، دارالکتب العلمیة ۱۴۱۲ هـ

۳- بوطی سعید رمضان، اللامذهبية أخطر بدعة تهدد الشريعة الاسلامیة ص ۹۱ مکتبة الفارابی، دمشق